

تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی^۱

رضا اردبیلی^۱

چکیده

پیامبر اسلام ﷺ در طول تاریخ، در تمامی برخوردهای سیاسی، اجتماعی و... با اقوام و ملت‌های گوناگون و همچنین در تبیین و تبلیغ با نمایندگان آنها و سران کشورها، همواره موفق بود و هرگز از خصلت‌های ضد ارزش استفاده نکرد و همواره از سادگی و صداقت بهره گرفت. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در راه تبیین و تبلیغ فرامین الهی آن چنان با اخلاق نیک با مردم به مدارا و مهربانی رفتار می‌کرد که همه را مجذوب خود ساخته بود و طوایف و قبایل مختلف که همه دشمن یک‌دیگر بودند، به گرد او جمع شدند. در این تحقیق، از روش آمیزه‌ای و اسناد نوشتاری و سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی و روش داده‌پردازی توصیفی بهره برده شده است. در نوشتار پیش رو، نتایج تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: نقش تبیین و تبلیغ در مبارزه با اهداف طاغوت؛ تأثیر اخلاق حسنه و سعه صدر در تبیین و تبلیغ؛ نقش بیان شیوا و زبان لین در تبیین و تبلیغ؛ جایگاه بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی در تبیین و تبلیغ؛ تبیین و تبلیغ با انواع ابزارهای رسمی و غیر رسمی.

کلیدواژه‌ها: تبیین، تبلیغ، سیره نبوی، علامه طباطبایی.



*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (ardabili313313@gmail.com)

۱. مقدمه

اعتمادسازی مهم‌ترین ابزار پیامبر ﷺ در عرصه تبلیغ دین بود و ایشان در این عرصه، فعل و عملشان یکی بود. هر مکتبی پیامی برای جامعه دارد و مردم را به پذیرش آن فرامی‌خواند و در این جهت از روش‌های ویژه‌ای بهره می‌جوید که با اهداف اصلی آن مکتب وابسته است. تمامی پیامبران از حضرت آدم ﷺ تا حضرت خاتم ﷺ از جانب خداوند مبعوث شدند تا انسان را از ظلمت و جهل به نور علم و هدایت و از تنگنای طبیعت به وادی بی انتهای معنویت و از ظلم و شقاوت به عدل و کرامت و از پرستش بت‌ها به عبادت خدا و از اطاعت اغیار و اشرار به استجابت اولیا و رسولان رهنمون شوند. پیام الهی پیامبران با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع، بر سه محور: توحید، نبوت و معاد پایه‌گذاری شده است. وجه تمایز این دعوت‌ها در کیفیت بیان آن محورها و تبیین مسائل فرعی مطابق با فهم و شعور مردم است. گرچه روش تبلیغی هر یک از پیامبران دارای ارزش ویژه خود است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۲/۴).

در این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال هستیم که: تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش و برخی ابهام‌ها تلاش می‌شود تا نشان داده شود اگرچه تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی، به عنوان مهم‌ترین بُعد حیات و به عنوان یکی از منابع دین است، اما آنچه که هویت آن را تشکیل داد و تبیین و تبلیغ در سیره نبوی را به معنای واقعی، اسلامی ساخت، تغذیه فراوان آن از قرآن بود.

۱-۱. هدف پژوهش

هدف این تحقیق، آشکارسازی ابعاد مهم تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی ﷺ است که این مهم نه تنها در قرون گذشته محقق شده، بلکه این قابلیت وجود دارد تا مسلمانان عصر حاضر با بازگشت به قرآن و بازاندیشی تفکر عقلانی خویش و شکل دادن یک جهان‌بینی عقلی و دینی منسجم و کارآمد، خود را از عقب‌ماندگی علمی و معنوی در جهت تبیین و تبلیغ در سیره نبوی نجات دهند.

۲-۱. روش پژوهش

در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای به تحلیل، تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی می‌پردازد.

۳-۱. پیشینه پژوهش

در موضوع تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی، کتاب، مقاله و پایان‌نامه جداگانه‌ای یافت نشد و تنها برخی مقالات هستند که به گوشه‌هایی از موضوع مورد بحث اشاره کرده‌اند که از آنها در این جا یاد می‌شود:

سعید سالاری در مقاله «نُه اصل کلیدی تبلیغ و تربیت در سیره پیامبر ﷺ» معتقد است انسان موجودی است که به دلیل برخورداری از قوه فکر و قدرت تمییز نیک و بد، می‌تواند با انتخاب مسیر درست یا نادرست، آینده حیات خود را در دو سویه تاریکی یا روشنایی تعیین نماید. در همین وادی انسانیت، آدمیانی یافت می‌شوند که پس از یاری خویش و یا در هنگامه آن، بنای یاری دیگری یا دیگرانی را دارند. این مبلغان و مربیان توحیدی برای توفیق در رسالت خویش علاوه بر فراهم نمودن مقدمات اولیه، به صورت ضروری، نیازمند شناختن برترین مربی و مبلغ موحد، یعنی حضرت ختمی مرتبت هستند یگانه‌ای که لحظه‌لحظه زندگی اش دریایی از نکته‌های تربیتی و اخلاقی است و بی‌شک قدم زدن در این اقیانوس، سپاس و ستایش باری تعالی را خواسته یا ناخواسته و از تمام وجود برمی‌انگیزاند و پایه‌های تشکیل و ترویج معارف دینی‌اند.

حسن جمشیدی نیز در مقاله «روش دعوت پیامبر ﷺ از دیدگاه علامه طباطبایی»، بر این عقیده است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در راه تبلیغ فرامین الهی، آن‌چنان با اخلاق نیک با مردم به مدارا و مهربانی رفتار می‌کرد که همه را مجذوب خود ساخته بود و طوایف و قبایلی را که دشمن یکدیگر بودند، گرد هم جمع کرده بود. پیامبر اکرم ﷺ در تبلیغ و اعلان دین اسلام و گسترش معارف الهی، از بهترین روش ممکن بهره گرفت و در نتیجه در مدت نه چندان زیادی توانست بنیان‌گذار یکی از دین‌های پرطرفدار جهان باشد و پیام الهی را به گوش همه برساند.

نوآوری تحقیق پیش رو، در این است که به تبیین و تبلیغ در سیره نبوی در همه ابعاد زندگی ایشان از جمله خوشبختی و نیکی و سلامتی اخلاقی و معنوی و... با تأکید بر

دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌پردازد، درحالی‌که تحقیقات پیشین، تنها برخی ابعاد را مورد پژوهش قرار داده‌اند و یا به هیچ‌کدام از این ابعاد نپرداخته‌اند و این تحقیق از این منظر، بکر و جدید است.

۴-۱. مفهوم‌شناسی

در این قسمت به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی مقاله پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱. تبیین

واژه «تبیین» به معنای هویدا شدن، پیدا شدن، پیدا و آشکار شدن، روشن‌گری، بیان منطقی، مستدل و دور از هیاهو و جنجال است (دهخدا، ۱۳۶۵: ۱۲۵۷/۵). در صحاح اللغة آمده است که «بین» به دو معنای متضاد می‌آید: گاه به معنای جدایی و گاه به معنای اتصال است؛ ولی به نظر می‌رسد که معنای اصلی، همان‌گونه که در دیگر کتب لغت آمده است، به معنای جدایی و فراق است. منتها چون جدایی از چیزی چه بسا باعث پیوستن به امری دیگر می‌شود، به لازمه آن نیز اطلاق شده است (جوهری، ۱۹۸۴: ۸). چون که عدم شناخت حقیقت، عامل مهم گم‌راهی انسان است، به همین جهت بایستی حقیقت را آشکار کرد و گره‌های ذهنی را باز نمود (خامنه‌ای: ۱۳۹۴) که در اصطلاح به آن تبیین گفته می‌شود. البته دیگران بر این نظرند که «تبیین» به معنای پرده‌برداری از چیزی است، خواه به وسیله نطق یا نوشتن یا اشاره یا شاهد حال بوده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۱۳/۱). در این تحقیق و معنای منتخب از «تبیین» این است که پیدا و آشکار شدن، روشن‌گری، بیان منطقی از مطلبی باشد که چهره جهل را از آن پاک می‌کند.

۴-۱-۲. تبلیغ

تبلیغ در لغت چنین آمده است: از ریشه «بلغ» به معنای رسیدن است و از باب تفعیل به معنای رساندن چیزی است؛ واژه تبلیغ به معنای رساندن نامه یا غیر آن نیز به کار برده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۱۹۰/۱). همچنین رسانیدن، وصل کردن، رسانیدن عقاید دینی یا غیر آنها با وسایل ممکنه (دهخدا، ۱۳۶۵: ۳۰۶/۲). در اصطلاح، تبلیغ چنین تعریف شده است: رساندن کامل پیام، خبر، سخن، فکر و اندیشه به دیگری و فراخواندن او به یک دین، ایده، عقیده، مسلک و روش است. مبلغ دینی نیز کسی است که با تمام توان می‌کوشد تا محتوای پیام دینی را به فکر و دل مخاطبان خود برساند (وزینی، ۱۳۸۷: ۴۰). همچنین نگاشته‌اند: تبلیغ در بهترین

و اصولی‌ترین شکل آن، یک فعالیت آموزشی است که به منظور نشر دانش و آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نشر ارزش و سجایای اخلاقی صورت می‌گیرد (زورق، ۱۳۹۰: ۱۸). در این تحقیق، مقصود نگارنده از «تبلیغ»، رساندن پیام و فراخواندن فرد یا افراد جهت نشر علم و داده‌های دین، ایده، عقیده و همچنین نشر اطلاعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ارزش‌ها و سجایای اخلاقی است.

۳-۴-۱. سیره

سیره در لغت عرب به معنای رفتن، جریان داشتن و در حرکت بودن به کار برده شده است (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۵۴/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۲/۲) و بر این اساس، بسیاری نیز واژه «سیره» را به نوع حرکت و شیوه جریان داشتن و یا به عبارتی نوع، سبک و شیوه رفتار و کردار تعریف کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۰: ۷۲۴) که نوعی دوام و استمرار در این معنا نهفته است. سیره در اصطلاح، گوناگون تعریف شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: سیره در اصطلاح دینی به معنای طریقه، روش و رفتار و اخلاق عملی به کار رفته است (محدثی، ۱۳۸۹: ۷۰). برخی نگاشته‌اند: سیره عبارت است از: بنای عملی انسان‌ها در طول تاریخ بر انجام دادن کاری و یا بر ترک کردن آن (قلی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۰) یا استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۴۹۴). نتیجه این که مقصود از سیره در این تحقیق، همان نوع سبک زندگی، رفتار و کردار و اخلاق فرد است در میان مردم یا امت به صورت ادامه‌دار و مستمر.

۴-۴-۱. سیره نبوی ﷺ

برای تعریف اصطلاحی سیره نبوی، تعاریف گوناگون و مختلفی آمده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: شهید مطهری معتقد است: سیره نبوی اصطلاحی است که به روش و نوع رفتار پیامبر اسلام ﷺ در جنبه‌های مختلف زندگی اطلاق می‌شود (مطهری، ۱۳۸۱: ۵۴). علامه طباطبایی در کتاب سنن النبی، سیره نبوی را همان آداب الهی و التزام و پای‌بندی به آنها و آراسته شدن به ظاهر و باطن دانسته است (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۹۳). برخی نگاشته‌اند: مقصود از سیره نبوی، سبک و رفتار پیامبر اعظم ﷺ در ابعاد مختلف عبادی، سیاسی، فرهنگی و غیر آن است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵: ۵۷۴/۴). بنابراین منظور از سیره نبوی در این تحقیق،

روش، نوع رفتار و سبک زندگی در جنبه‌های گوناگون زندگی نبی مکرم ﷺ است که از آن به «سنت» یاد می‌شود.

۲. تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی

هر مکتبی پیامی برای جامعه دارد و مردم را به پذیرش آن فرامی‌خواند و در این جهت از روش‌های ویژه‌ای بهره می‌جوید که با اهداف اصلی آن مکتب وابسته است. تمامی پیامبران از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلوات الله علیه از جانب خداوند مبعوث شدند تا انسان را از ظلمت و جهل به نور علم و هدایت و از تنگنای طبیعت به وادی بی‌انتهای معنویت و از ظلم و شقاوت به عدل و کرامت و از پرستش بت‌ها به عبادت خدا و از اطاعت اغیار و اشرار به استجابت اولیا و رسولان رهنمون شوند. پیام الهی پیامبران را با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جوامع بر سه محور: توحید، نبوت و معاد پایه‌گذاری شده است. وجه تمایز این دعوت‌ها در کیفیت بیان آن محورها و تبیین مسائل فرعی مطابق فهم و شعور مردم است. گرچه روش تبلیغی هر یک از پیامبران، دارای ارزش ویژه خود است، در این قسمت به تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی پرداخته می‌شود.

۲-۱. نقش تبیین و تبلیغ در مبارزه با اهداف طاغوت

عقل و فهم، یک موهبت الهی و زبان مشترک بین همه مردم است؛ مردم از این طریق می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و تبلیغ به زبان امروزی به معنای رسانه است. هر شخصی که می‌خواهد کاری انجام دهد یا کالایی ارائه کند، به طور قطع تبلیغ کار یا کالای خود را انجام می‌دهد و نقاط مثبت و مزایای آن را بیان می‌کند تا پس از آن بتواند کار یا کالای خود را عرضه کند. بر این اساس می‌توان گفت تبیین و تبلیغ، امری کاملاً فطری است و این خود نشان‌دهنده اهمیت تبیین و تبلیغ در راستای اهداف الهی و مبارزه با اهداف طاغوت در سیره پیامبر صلوات الله علیه است.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾ (نحل: ۳۶)؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت.

عَلَّامَه مَعْتَقِدٌ اسْتِ كِه كَلِمَةُ «طَاغُوت» دَر اَصْلِ مَانَنْد طَغْيَان، مَصْدَر و بَه مَعْنَاي تَجَاوِز اَز حُد بَدُون حَق بُوْدَه اسْت و جَمَلَةُ «أَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» بِيَان بَعَثت رَسُوْل اسْت و مَعْنَايِش اَيْن اسْت كِه حَقِيْقَت بَعَثت رَسُوْل، جِز اَيْن نِيَسْت كِه بَنْدِگَان خُدا رَا بَه تَبْيِيْن و تَبْلِيْغ دَر رَاسْتَاي اَهْدَاْف اَلْهِي و مَبَارِزَه بَا اَهْدَاْف طَاغُوت دَعُوْت كَنْد؛ زِيْرَا اَمْر و نَهْي اَز يَك بَشْر بَه سَايِر اَفْرَاد بَشْر اسْت، مَخْصُوصاً وَقْتِي كِه اَمْر و نَاهِي رَسُوْل بَاشْد (طَبَاطِبَايِي، ۱۳۹۰: ۳۵۳/۱۲).

عَلَّامَه مُوَكِّدْ اَمِي نِگَارْد: نَبِي مَكْرَم بَر اَيْن اسْت كِه بَا تَبْيِيْن و تَبْلِيْغ دَر رَاسْتَاي اَهْدَاْف اَلْهِي و مَبَارِزَه بَا اَهْدَاْف طَاغُوت كِه تَمَامِي اَمْت هَا، مَانَنْد اَمْت اِسْلَام، مَنقَسَم بَه دُو طَايْفَه بُوْدَنْد، يَك طَايْفَه، اَنَهَائِي كِه خُدا هِدَايَتِشَان كَرْدَه و بَه عِبَادَت او و اجْتِنَاب اَز طَاغُوت مُوْفِق شَدْند؛ طَايْفَةُ دُوْم اَز اَمْت هَا و اَمْت اِسْلَامِي، اَنَهَائِي هَسْتَنْد كِه ضَلَالَت بَر اَنَان ثَابِت و لَازِم شُدَه و اَيْن اَن ضَلَالَتِي اسْت كِه خُود اِنْسَان بَه سُوْء اَخْتِيَارِش دَرَسْت مِي كَنْد، نَه اَن ضَلَالَتِي كِه خُدا بَه عِنْوَان مَجَازَات، اَدْمِي رَا بَدَان مَبْتَلَا مِي سَازْد، بَه دَلِيْل اَيْن كِه دَر بَارَةُ اَن، تَعْبِيْر بَه اَثْبَات و لَزُوم كَرْدَه اسْت و وَاَسْطَه و رَسَالَت اَيْن اَمْر بَر عَهْدَةُ نَبِي مَكْرَم اسْت كِه بَا تَبْيِيْن و تَبْلِيْغ دَر رَاسْتَاي اَهْدَاْف اَلْهِي و مَبَارِزَه بَا اَهْدَاْف طَاغُوت، اَن هَا رَا اَشْكَار و رُوشَن مِي كَنْد (هَمَان: ۳۵۴ و ۳۵۵).

خُداي تَعَالِي دَر اَصْلِ خَلْقَت بَشْر، اسْتَعْدَاد هِدَايَت و اِمْكَان رِشْد رَا دَر او نِهَادَه بَه طُورِي كِه اِگَر بَر طَبَق فَطْرَتِش قَدَم بَر دَارْد و فَطْرَت خُود رَا مَرِيض نَكَنْد و اسْتَعْدَاد هِدَايَت خُود رَا بَا پِيْرُوِي اَز هُوَا و اَرْتِكَاب گِناهاَن باطل نَكَنْد و بَر فَرَض هَم كِه گِناهي اَز او سَر بِيْزَنْد، نَقِيصَه اِي كِه اَز اَيْن رَاه بَر فَطْرَتِش وَاْرْد شُدَه بَا نَدَامَت و تُوْبَه جَبْرَان نَمَايْد، خُداي تَعَالِي هِدَايَتِش مِي كَنْد؛ اَيْن هِدَايَت، هِدَايَت پَادَاشِي و اَز نَاحِيَةُ خُداي تَعَالِي اسْت، هَم چِنَان كِه اسْتَعْدَاد اُولِي و فَطْرِي اَش هِدَايَت اُولِي او بُوْد و اِگَر هُوَاي نَفْس خُود رَا پِيْرُوِي نَمَايْد و پَرُوْرْدِگَار خُود رَا نَافَرْمَانِي كَنْد و بَه تَدْرِيْج اسْتَعْدَاد فَطْرِي رَا كِه بَرَاي هِدَايَت دَاشْت باطل سَازْد، خُداوَنْد هَم هِدَايَت رَا بَه وِي اَفَاضَه نَمِي فَرْمَايْد. اَيْن، اَن ضَلَالَتِي اسْت كِه بَه سُوْء اَخْتِيَار خُود بَرَاي خُود دَرَسْت كَرْدَه اسْت؛ حَال اِگَر نَدَامَتِي بَه وِي دَسْت نَدَهْد و تُوْبَه نَكَنْد، خُداوَنْد هَم او رَا بَر حَالِي كِه دَارْد باقِي مِي گِذَارْد و ضَلَالَتِش رَا تَثْبِيْت مِي كَنْد و اَيْن اَن ضَلَالَت خُدايِي و مَجَازَاتِي اسْت و اَيْن جِز بَا رَسَالَت نَبُوِي و بَا تَبْيِيْن و تَبْلِيْغ دَر رَاسْتَاي اَهْدَاْف اَلْهِي و مَبَارِزَه بَا اَهْدَاْف طَاغُوت، شَدْني نِيَسْت (هَمَان: ۳۵۶).



طبق نظر علامه، ویژگی تبیین و تبلیغ در راستای اهداف الهی و مبارزه با اهداف طاغوت شدن این است که مانند شمشیر، دو لبه دارد، به این معنا که هم می‌توان از آن برد و هم استفاده منفی از امر تبلیغ داشت؛ بنابراین هم کسی که قصد غرض مثبت دارد می‌تواند از تبیین و تبلیغ بهره بگیرد، هم کسی که قصد و نیت منفی دارد از آن بهره‌مند شود. بر این اساس، تبیین و تبلیغ یک امر خنثی و یک ابزار است. هم پیامبر از این روش برای اهداف الهی خود استفاده می‌کرد، هم در برابر طاغوت‌ها، فرعون‌ها و شیاطین از تبیین و تبلیغ به نفع خود و خدای خود بهره می‌بردند. خداوند متعال به آدمیان، هنر و ابزار تبیین و تبلیغ را داده است؛ هم مؤمنان در راستای اهداف الهی و مبارزه با اهداف طاغوت و هم کفار در جهت اهداف غیرالهی و طاغوت می‌توانند از این ابزار استفاده کنند. در این صحنه هر کس بهتر و بیشتر عمل کند، پیروزتر خواهد بود.

۲-۲. تأثیر اخلاق حسنه و سعه صدر در تبیین و تبلیغ

اخلاق حسنه و سعه صدر، یکی دیگر از سیره‌های پیامبر ﷺ در تبیین و تبلیغ است که علامه طباطبایی رحمته‌الله بدان اشاره کرده است. پیامبر اعظم رحمته‌الله از همان ابتدای نبوت، خود را با اخلاق حسنه و سعه صدر مطرح فرمودند. قرآن هم از پیامبر خدا چنین یاد می‌کند: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم: ۴)؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری﴾.

علامه بر این نظر است که تبیین و تبلیغ با اخلاق حسنه و سعه صدر نبی مکرم اسلام رحمته‌الله همان ملکه نفسانی ایشان است که خلق نیکو از آن فهمیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۱۹/۱۹).

طبق نظر صاحب المیزان، مقصود از آیه این است که: ای پیامبر! سجایای اخلاقی عظیمی همچون اخلاق حسنه و سعه صدر داری که به وسیله آن‌ها می‌توانی تبیین و تبلیغ بکنی و این آیه شریف هر چند به خودی خود حُسن خلق رسول خدا رحمته‌الله را می‌ستاید و آن را بزرگ می‌شمارد، لیکن نسبت به اخلاق پسندیده اجتماعی رسول خدا رحمته‌الله نظر دارد؛ اخلاقی که مربوط به معاشرت است، از قبیل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و خطاکاری‌های اراذل و عفو و اغماض بر آنان، سخاوت، مدارا، تواضع و امثال اینها (همان: ۶۲۰).

پیامبر اعظم رحمته‌الله وقتی که می‌خواستند اسلام را به شهرهای مختلف آن زمان جزیره العرب عرضه کنند، هیچ‌گاه شمشیر نکشیدند و به جنگ پرداختند؛ بلکه با تبیین و تبلیغ اخلاق حسنه

و سعه صدر توانست اسلام را پیش ببرد. پیامبر ﷺ برای این منظور، مبلغان و قاریان قرآن را به شهرهای مختلف می‌فرستادند تا معجزه الهی را که قرآن کریم است برای مردم آن شهرها با صدای خوش و زیبا عرضه کنند. همچنین پیامبر ﷺ همواره به مبلغان خود بر رعایت اخلاق حسنه و سعه صدر تأکید داشتند. تقریباً می‌توان گفت امر تبیین و تبلیغی پیامبر ﷺ همان جهاد تبیینی است که مقام معظم رهبری به آن تأکید دارند (خامنه‌ای: ۱۳۹۴).

۳-۲. نقش بیان شیوا و زبان لّین در تبیین و تبلیغ

تبلیغ یکی از وظایف ذاتی و سازمانی بود که خداوند متعال بر عهده پیامبر ﷺ گذاشته بود، چنان که در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (عنکبوت: ۱۸)؛ و بر رسول نیست جز ابلاغ روشن.

علامه معتقد است برای این‌که تکذیب کردن پیامبر ﷺ همانند سنت جاری در همه امت‌های مشرک است و بنای مشرکان همیشه بر آن بوده، شما هم یکی از آنها و آخرین آن امت هاید و در این میان، هیچ وظیفه‌ای متوجه من نیست؛ چون من رسول هستم و بدان جهت که رسولم جز ابلاغ، هیچ مسئولیتی ندارم و تنها یار و یاورم خداست که تکذیب کردنش سودی ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۲/۱۶ و ۱۷۳) و پیامبر ﷺ برخلاف مشرکان، با بیان شیوا و زبان لّین، تبیین و تبلیغ می‌کردند.

نمونه بارز موفقیت پیامبر ﷺ در جریان فتح مکه نمایان است (ابن هشام، بی تا: ۳۱۷/۲). اهل مکه و قریش خیلی پیامبر ﷺ را اذیت و آزار کردند تا جایی که چندین مرتبه، قصد ترور پیامبر ﷺ را داشتند؛ بیش از ده مرتبه، سوء قصد به جان مبارک پیامبر اعظم ﷺ کردند تا وجود ایشان را از عرصه روزگار محو کنند. این نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ انگیزه داشتند که با آنها وارد مقابله فیزیکی و جنگ شوند و در جریان فتح مکه، پیامبر ﷺ به راحتی می‌توانستند همه آنها را از بین ببرند. عرف و قانون آن زمان نیز مؤید این کار بود؛ اما پیامبر ﷺ بدون هر گونه جنگ و خونریزی وارد مکه شدند. پیش از آن با رفت و آمد مبلغان پیامبر ﷺ به مکه و رفتارهایی که مردم مکه از پیامبر ﷺ شنیده بودند، طوری بود که همه ناخودآگاه شیفته پیامبر شدند و همین که شنیدند پیامبر وارد مکه می‌شود، اسلحه‌ها را بر زمین گذاشتند. بعضی از اصحاب پیامبر ﷺ فریاد می‌زدند: «الیوم یوم الملحمة؛ امروز روز انتقام است». وقتی این سخن به گوش پیامبر ﷺ



رسید فرمودند: «الیوم یوم المرحمة؛ امروز روز رحمت است». همین کلام شیوای پیامبر ﷺ به لحاظ سجع کلامی که هم‌آوا با آن جمله اصحاب است، یکی از تبلیغات و فنون تبلیغی رسول خداست که لفظ «مرحمة» را با لفظ «ملحمة» جایگزین می‌فرمایند و بعد هم اعلام عفو عمومی می‌کنند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۷۲/۱۷).

بنابراین پیامبر ﷺ حقایق را با زبان لئین و شیوا به گونه‌ای تبیین و تبلیغ می‌کرد که در قلوب مردم تثبیت شود و وظیفه ذاتی پیامبر اکرم ﷺ بود و ایشان در این عرصه، بسیار موفق بودند.

۴-۲. جایگاه بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی در تبیین و تبلیغ

نکته مهم در امر تبیین و تبلیغ پیامبر ﷺ این است که سیاست‌گذاری‌ها در این خصوص با رهبر جامعه است؛ چرا که رهبر جامعه می‌داند چه مسئله‌ای و در چه زمانی باید مطرح بشود تا هدف رسالت محقق شود. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یوسف، ۱۰۸)؛ بگو: «این راه من است؛ من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم!».

علامه معتقد است که خدای سبحان بعد از آن‌که فرمود ایمان محض و توحید خالص بسیار عزیز الوجود و اندک است، رسول خدا ﷺ را مأمور نمود تا راه خود را اعلام بدارد و آن عبارت است از دعوت به چنین توحیدی؛ دعوتی که دارای بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی است و در حقیقت، اعلام راه اوست. این دعوت به سوی خدا دعوتی نیست که به هر طوری که شد صورت گیرد؛ بلکه دعوتی است که بر اساس توحید خالص، با بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی صورت می‌گیرد و به هیچ وجه، از توحید به سوی شرک‌گرایی نمی‌یابد و در چنین سبیلی، تنها کسانی شرکت دارند که در دین، مخلص برای خدا باشند و عالم به مقام رب العالمین و دارای بصیرت و یقین بوده باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۸/۱۱ و ۳۷۹).

طبق نظر علامه بعضی گمان می‌کنند تبیین و تبلیغ، کاری شبیه کار تبشیری‌های ادیان دیگر است که فقط از مصائب و رنج‌های بزرگان آن دین بگویند و هیچ بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی هم وجود نداشته باشد؛ این نگاه، خلاف دیدگاه رسول خدا ﷺ در امر تبیین و تبلیغ است. در شیوه و روش پیامبر اعظم ﷺ تبیین و تبلیغ باید بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی

داشته باشد؛ تبیین و تبلیغ، امری مستحبی یا حاشیه‌ای نیست که فقط کسی بیاید و از خوبی کارهای خوب و بدی کارهای بد بگوید و هیچ اتفاقی نیفتد. پیامبر ﷺ برای این که بتواند احکام الهی را در جامعه پیاده کند، ابتدا ذهن‌ها و دل‌ها را آماده می‌کند که این تبیین و تبلیغ با بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی است تا مردم متوجه بشوند قرار است اتفاقی بیفتد و تحولی در جامعه ایجاد شود؛ بنابراین اگر اطلاع‌رسانی، تبیین و تبلیغ به خوبی، با بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی انجام شود، حقایق و معارف در قلوب مردم تثبیت می‌شود و بعد از آن بر جسم و اجتماع اثر می‌گذارد.

۵-۲. تبیین و تبلیغ با انواع ابزارهای رسمی و غیر رسمی

پیامبر ﷺ برای تبیین و تبلیغ دو نوع ابزار داشتند. بخشی از ابزارهای پیامبر ﷺ ابزار رسمی و بخشی غیر رسمی بودند.

۱-۵-۲. تبیین و تبلیغ با انواع ابزارهای رسمی

شعرا، قاریان قرآن، مساجد، نماز جمعه و امثال اینها ابزارهای رسمی جامعه زمان پیامبر ﷺ بود که پیامبر ﷺ به خوبی از آنها در جهت رسالت تبلیغی خود استفاده می‌کرد. مساجد در زمان پیامبر ﷺ شلوغ بود. در مسجد النبی - که مسجد اصلی به شمار می‌رفت - نمازهای یومیه، سخنرانی‌ها و نماز جمعه برگزار می‌شد. پیامبر ﷺ تأکید فراوان داشتند در مساجد دیگری که مبلغان در آنها مشغول فعالیت بودند نیز اصول تبلیغی رعایت شود از جمله این که مبلغ به حقایق دین آگاهی داشته و خوش صورت و خوش سیرت باشد و از صدای زیبایی برخوردار باشد. مواردی که ذکر شد ابزارهای ظاهری و رسمی بود که توسط پیامبر ﷺ مطرح می‌شد.

یکی دیگر از ابزارهای رسمی پیامبر ﷺ در تبیین و تبلیغ، زبان شعر و شعرا بود. پیامبر اعظم ﷺ هر جا که می‌رفتند، حقایق و معارف دین را با بهترین بیان و ابزار ارائه می‌کردند. در آن زمان پیامبر ﷺ در کنار قاریان قرآن، از ابزار شعرا نیز استفاده می‌کردند. آن دوران که اینترنت، روزنامه و رادیو و تلویزیون نبود؛ مهم‌ترین رسانه، اشعار شاعران بود. شعر یکی از ابزارهایی بود که در آن زمان، خبرها را به مناطق مختلف منتقل می‌کرد. پیامبر ﷺ از این ابزار به نحو احسن استفاده کردند؛ از شعرای متعهد سود بردند تا بتوانند حقایق نبوت و معارف الهی را به گوش مردم برسانند.



برای نمونه پیامبر اکرم ﷺ به شاعران متعهد، صله می‌داد و آنان را تشویق می‌کرد که شعر مذهبی بسرایند و در مورد اشعاری این چنین فرمود: «والذی نفس محمد بیده فکأنها تنهضونهم بالنبل؛ به آن کسی که جان محمد ﷺ در دست قدرت اوست، با این اشعار، گویی تیر به سوی آنان پرتاب می‌کنید» (شیبانی، ۱۴۲۱: ۳/ ۴۶۰).

در مورد یکی از شعرا این چنین فرمود: «اهجم فإن جبرئیل معک؛ آن‌ها را هجو کن که جبرئیل با توست» (همان: ۲۹۹/۴). پیامبر اکرم ﷺ شعر شاعران متعهد را جهاد با زبان نامیده است به هنگامی که آیات ۲۲۴-۲۲۷ سوره شعراء که حاوی نکوهش شاعران غیر متعهد است نازل شد: ﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا...؛ [پیامبر اسلام شاعر نیست] شاعران کسانی هستند که گم‌راهان از آنان پیروی می‌کنند * آیا نمی‌بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ * و سخنانی می‌گویند که [به آنها] عمل نمی‌کنند؟! مگر کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشان [و مؤمنان] برمی‌خیزند [و از شعر در این راه کمک می‌گیرند...].﴾

طبق نظر علامه، تبیین و تبلیغ با ابزار و زبان شعر و شعرا توسط نبی مکرم اسلام ﷺ به کار می‌رفته است؛ اما قرآن در ابتدا دروغگویان و گم‌راهان آنان را مذمت می‌کند و در ادامه از مؤمنان و نیکوکاران و یادکنندگان خداوند تمجید می‌کند که می‌توان گفت بر این اساس، منش و سیره پیامبر اسلام در زمینه تبیین و تبلیغ با ابزار و زبان شعر و شعرا مثبت و مورد تأیید خداوند محسوب می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق بر این نظر است که این سه آیه نخست، پاسخ تهمتی است که مشرکان به رسول خدا ﷺ می‌زدند و او را شاعر می‌خواندند و این جواب در برابر تهمت دوم ایشان است و اولی، این بود که می‌گفتند او شیطانی دارد که قرآن را به وی وحی می‌کند. «غاوون» جمع اسم فاعل است و مفرد آن «غاوی» و مصدرش «غی» است و معنایی دارد که خلاف معنای رشد است و در نتیجه، «غوی» کسی است که راه باطل را برود و از راه حق منحرف باشد و «غوایت» از مختصات صناعت شعر است که اساسش بر تخیل و تصویر غیر حق و غیر واقع است به صورت حق و واقع؛ به همین جهت کسی

به شعر و شاعری اهتمام می‌ورزد که غوی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۴۷۰)؛ در حالی که پیامبر ﷺ در تبیین و تبلیغ با ابزار و زبان شعر و شعرا از غوایت و تصویر غیر حق و غیر واقع استفاده نمی‌کرد.

همچنین علامه بر این اعتقاد است که شعرای باطل، افسار گسیختگی در سخن دارند، حد و مرزی در شعر نمی‌شناسند، چه بسا که باطل و مذموم را مدح کنند که این عدول از راه فطرت است. در ادامه آیه چهارم، مؤمنان و نیکوکاران و یادکنندگان خداوند از شاعران استثنا شده‌اند؛ چون ایمان و عمل صالح آدمی و شعرا را طبعاً از ترک حق و پیروی باطل، جلوگیری می‌کند و این‌که فرموده: خدا را بسیار ذکر می‌کنند، برای این است که ذکر کثیر خدا، آدمی را همواره به یاد خدا می‌اندازد و او را به سوی حق، آن حقی که مایه رضایت اوست می‌برد و از باطل که او دوست نمی‌دارد بندگان به آن مشغول باشند، بر می‌گرداند؛ در نتیجه چنین کسانی دچار آن گم‌راهی‌ها نمی‌شوند که آن دسته دیگر دچارش هستند (همان: ۴۷۱). این صفات نیز به دور از پیامبری ﷺ است که در تبیین و تبلیغ از ابزار و زبان شعر و شعرا بهره می‌گیرد و مانند قرآن چنین سیره باطل، دروغین و افسارگسیخته‌ای را مذموم می‌داند.

۲-۵-۲. تبیین و تبلیغ با انواع ابزارهای غیر رسمی

پیامبر خدا ابزارهای تبیین و تبلیغی دیگری هم داشتند که ابزارهای غیررسمی به حساب می‌آمدند، مانند این‌که ایشان به صورت سرزده به عیادت مریض یا جانبازان جنگ می‌رفتند، به فقرا سر می‌زدند، پیاده در بین مردم تردد می‌کردند و به اصطلاح امروزی، طرح چهره به چهره داشتند که به نوعی تبیین و تبلیغ با ابزار غیر رسمی محسوب می‌شد. قرآن هم پیامبر اسلام را چنین یادآور می‌شود: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران: ۱۵۴)؛ به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم [و مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگ‌دل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.

علامه معتقد است که خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: رسول خدا به لطف و مرحمت از ناحیه ما نسبت به مسلمانان، مهربان شده است و به همین جهت با این سیره نبی مکرم در تبیین و تبلیغ با ابزار غیر رسمی از جنبه اخلاقی و غیر آن می‌توان مشاهده کرد که نبی اسلام چگونه موفق به جذب مردم به دین مبین اسلام شد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۸۶).

نمونه دیگر بهره‌گیری از ابزارهای تبیین و تبلیغی غیررسمی می‌توان به این مورد اشاره کرد

که: پیامبر ﷺ از نزدیک با اقشار مختلف مردم ارتباط برقرار می‌کردند و هیچ‌گاه از موضع بالا با مردم صحبت نمی‌کردند؛ بلکه همیشه با مردم می‌جوشیدند و این جوشش باعث شده بود که آن تبیین و تبلیغ‌ها و سخنرانی‌ها بر دل مردم بنشیند و از او چهره‌ای موفق در زمینه تبیین و تبلیغ بسازد.

۶-۲. تبیین و تبلیغ با سرمایه اعتماد مردم و اثرگذاری بر آنان

پیامبر اعظم ﷺ توانست در میان آن عرب متوحش جاهلی که دختران خود را زنده‌به‌گور و زنان را تحقیر می‌کردند، رسالت خود را با تبیین و تبلیغ گسترش دهد و مردم را به سخنان خود متوجه کند؛ قبایلی که به یکدیگر رحم نمی‌کردند و گاهی چندین ماه یا چندین سال با هم درگیر بودند. این‌که پیامبر چطور توانست در میان این مردم نفوذ کند یک جواب بیشتر ندارد و آن جلب اعتماد مردم با تبیین و تبلیغ بود؛ پیامبر توانسته بود با تبیین و تبلیغ، اعتماد مردم را به خود جلب کند.

پیامبر اکرم ﷺ اعتماد مردم را به راحتی به دست نیاورده بود؛ بلکه در این مسیر رنج‌ها و خون دل‌های فراوانی خورد تا این نتیجه حاصل شد و توانست به سطح‌های مختلف فرهنگی مردم نفوذ کند. مردم از هر سطحی که بودند پیامبر را امین و مورد اعتماد خود می‌دانستند. به همین خاطر است که هیچ‌کس نتوانست از پیامبر ﷺ نقطه ضعفی به دست بگیرد که مثلاً بگوید پیامبر ﷺ خودش می‌گوید دزدی نکنید و نفوذ بالله فرزندان دزدی می‌کنند. قول و فعل پیامبر ﷺ یکی بود و همین باعث می‌شد که مردم بیش از خود به پیامبر ﷺ اعتماد داشته باشند.

تبیین‌کننده و تبلیغ‌کننده، آنچه را که تبیین و تبلیغ می‌کند، باید خود انجام داده باشد و در صورت عدم انجام آن، تبیین و تبلیغش تأثیری نخواهد داشت. قرآن درباره تبیین و تبلیغ بر خلاف سیره پیامبر ﷺ به دور از سرمایه اعتماد مردم و تأثیر آن می‌فرماید: ﴿اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (بقره: ۴۴) یا مردم را به نیکی [و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده] دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید.

علامه بر این اعتقاد است که پیامبری که تبیین و تبلیغش با اعتماد مردم و امانتداری او عیان شده است، نمی‌آید با دعوت و تبیین و تبلیغ خلاف واقعیت و حقیقت، خود و نبوتش را زیر سؤال ببرد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۲۸/۱). برای مثال، وقتی که پدری همراه پسرش خدمت

پیامبر ﷺ مشرف شدند، پدر به پیامبر عرض کرد که پسرش بسیار خرما می خورد و تقاضا کرد که به پسرش، توصیه نماید تا زیاد خرما نخورد. پیامبر ﷺ فرمود: «پسرت را فردا بیاور!». مرد همراه پسرش، فردا خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و رسول خدا به آن پسر توصیه نمودند که زیاد خرما نخورد. مرد پرسید که: یا رسول الله! چرا دیروز این توصیه را نفرمودید؟ پیامبر ﷺ فرمود: «دیروز خودم، خرما خورده بودم» (رضوانی، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

پیامبر ﷺ برای این که مردم جزیره العرب را به توحید، یکتاپرستی و سعادت دنیوی و آخروی دعوت کند، از برهان های فلسفی، صدیقین و منطقیون استفاده نکرد؛ بلکه با مردم با تبیین و تبلیغ از طریق جلب اعتماد وارد شد. پیامبر ﷺ قبل از این که پیامبر باشد، محمد امین نام داشت؛ مردم به او اعتماد کامل داشتند تا جایی که حضرت را با این نام می شناختند. وقتی پیامبر ﷺ توانست اعتماد مردم را که سرمایه ای عظیم است به دست بیاورد، به مردم گفتند: «اگر من بگویم پشت این کوه خطری شما را تهدید می کند، آیا حرف من را می پذیرید؟». مردم گفتند: بله! سپس پیامبر فرمودند: «محمد امین به شما می گوید که خدای واحدی وجود دارد و بت ها را کنار بگذارید». این نشان می دهد که پشتوانه امر تبیین و تبلیغ پیامبر ﷺ سرمایه عظیمی به نام اعتماد مردم بود. یکی از معجزات پیامبر ﷺ قبل از قرآن کریم و شق القمر همین جلب اعتماد مردم بود؛ اعتمادی که بسیاری از سخنان ایشان را در امر تبیین و تبلیغ تثبیت می کرد.

طبق نظر صاحب المیزان یکی از نکاتی که در سیره پیامبر ﷺ در تبیین و تبلیغ بسیار اهمیت دارد، مسئله اثرگذاری است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۲۹/۱). اگر تبیین و تبلیغی اثرگذار نباشد، اصلاً تبیین و تبلیغ نیست؛ بلکه تخریب است. تبیین و تبلیغ وقتی تبیین و تبلیغ است که اثرگذاری مثبتی داشته باشد. در آیین اسلام تبیین و تبلیغ مساوی با تأثیرگذاری است و تبیین و تبلیغ زمانی اثرگذار است که پیش از آن اعتماد مردم جلب شده باشد. مبلغ هر چه بگوید و هر قدر هم سخنانش درست و صحیح باشد اگر مستمع او را قبول نداشته باشد، نمی تواند سخنش را نیز بپذیرد؛ بنابراین اعتماد و اطمینان مردم، سرمایه اصلی اسلام و فرستاده آن است. امروز و در این زمان هم این قاعده وجود دارد: اگر به کسی اعتماد داشته باشیم هر چه بگوید حتی اگر نتوانیم برخی از گفته هایش را به صورت ملموس درک کنیم، باز از او می پذیریم؛ بنابراین اعتماد، سرمایه اصلی تبیین و تبلیغ است.



۳. نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی پرداخت. مجموعه تعالیم قرآن در حوزه‌های شناخت کُل هستی با تبیین و تبلیغ نبوی، موجب گسترش آن شد. در این مقاله پس از واکاوی و بررسی تبیین و تبلیغ در سیره نبوی از منظر علامه طباطبایی به این نتیجه رسید که پیامبر ﷺ در راه تبیین و تبلیغ فرامین الهی آن‌چنان با اخلاق نیک با مردم به مدارا و مهربانی رفتار می‌کرد که همه را مجذوب خود ساخته بود و طوایف و قبایل مختلف را که همه دشمن یک‌دیگر بودند، گرد خود جمع کرد و توانست دین اسلام و قرآن را به بهترین شکل ممکن، به جهانیان بنمایاند. پیامبر ﷺ در جهت مبارزه با طاغوتیان، با داشتن اخلاق حسنه و سعه صدر، با بیان شیوا و زبان لَین، از طریق جایگاه بصیرت، پشتوانه و ضمانت اجرایی و با انواع ابزارهای رسمی و غیر رسمی کوشید و در راه تبیین و تبلیغ آموزه‌های قرآن و فرامین الهی پیروز میدان شد. اسلام با توجه به تبیین و تبلیغ در سیره نبوی، علی‌رغم تغذیه آن از قرآن، از سوی مسلمانان در پرتو آموزه‌های الهی قرآن مورد استقبال قرار گرفت و به بار نشست و به همین دلیل به نبی مکرم اسلام ﷺ به عنوان اولین معلّم و مفسّر قرآن نگاه می‌شود که یکی از مباحث وی تبیین و تبلیغ در سیره‌اش بود. در عصر کنونی می‌توان با رجوع دوباره به قرآن، سنت تبیین و تبلیغ در سیره نبوی و خرد جمعی مسلمانان، به بازسازی عناصر معرفتی تبیین و تبلیغ در سیره نبوی و اسلامی اقدام کرد.

کتاب‌نامه

- * قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمدابوالفضل ابراهیم، قم: آیه‌الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
 ۳. ابن‌هشام، عبدالملک، (بی‌تا)، السیره النبویه، بیروت: دار المعرفه.
 ۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ ق)، تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین.

۵. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۴ ش)، «بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور»، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.

۶. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۶۵ ش)، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا: دفتر نشر کتاب.

۸. زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر.

۹. زورق، محمدحسن، (۱۳۹۰ ش)، مبانی تبلیغ، تهران: انتشارات سروش.

۱۰. شیبانی، أحمد بن محمد، (۱۴۲۱ ق)، مسند أحمد بن حنبل، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.

۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۲. _____، (۱۳۶۰ ش)، سنن النبی، ترجمه: حسین استادولی، تهران: پیام آزادی.

۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۸ ق)، کتاب العین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۴. قلی‌زاده، احمد، (۱۳۷۹ ش)، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران: بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نور الاصفیاء.

۱۵. محدّثی، جواد، (۱۳۸۹ ش)، فرهنگ‌نامه دینی، قم: نشر معروف.

۱۶. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (۱۳۸۹ ش)، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱ ش)، سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ ش)، پیام قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۵ ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

۲۰. وزینی، علی، (۱۳۸۷ ش)، تعریف تبلیغ، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

